

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۵ اکتوبر ۲۰۲۰

جایگاه کارگران ما، در مبارزه با دشمن

رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی روزی نیست که به خاطر حفظ نظام استثمارگرانه حاکم، کارگر مبارزی را به خاک و خون نکشد. این رژیم ضد کارگری جدا از سرکوب مداوم مبارزات و اعتراضات کارگران در محیط کار آن هم در سراسر کشور، هر جا هم، لازم دیده از زندان و شکنجه و اعدام نیز برای خفه کردن صدای کارگران مبارز دریغ نکرده است. افزایش روزمره تعداد کارگرانی که به دست دژخیمان جمهوری اسلامی به قتل می رسند، خود انعکاسی از وسعت و شدت مبارزات کارگران در جامعه و برخورد ددمنشانه سردمداران جمهوری اسلامی با این انقلابی ترین طبقه اجتماعی می باشد. از طرف دیگر جنگ و ستیز کارگران با سرمایه داران و حامی آنها رژیم جمهوری اسلامی به آشکاری نشان می دهد که رشد مناسبات سرمایه داری در ایران، جامعه را به "دو اردوگاه بزرگ متخاصم" بدل نموده است. در یک طرف کارگران قرار دارند که رسالت رهای خود و دیگر توده های تحت ستم ایران را از قید سیستم سرمایه داری حاکم بر کشور را بر عهده دارند و از طرف دیگر سرمایه داران که در جهت حفظ وضع نکتب بار موجود و تداوم استثمار و سرکوب به هر گونه جنایتی در حق کارگران و متحدین این طبقه دست می زنند.

امروز، با رشد و گسترش هر چه بیشتر مناسبات سرمایه داری وابسته در ایران و افزایش کمی غیر قابل انکار طبقه کارگر، ما شاهد رشد روز افزون مبارزات کارگران و بالطبع تشدید درنده خوئی جلادان حاکم می باشیم. در حال حاضر که سرمایه داری وابسته حاکم دچار بحران توأم با رکود و تورم شدیدی است، خیلی از مراکز تولید تعطیل و صفوف بیکاران هر چه بیشتر فشرده گشته است. در چنین شرایطی سطح معیشت حتی کارگرانی که مشغول کارند شدیداً کاهش یافته و فریاد ما گرسنه ایم، یا قادر به تأمین شیر برای بچه شیرخواره خود نیز نیستیم و ... در سراسر کشور شنیده می شود. کارگران برای تغییر این وضع و دفاع از موجودیت و شرف انسانی خود راهی جز مبارزه ندارند. بیهوده نیست که جدا از صدها اعتصاب کارگری تنها در دی ماه سال ۹۶ و آبان سال ۹۸ ما شاهد دو خیزش بزرگ کارگران و ستمدیدگان بودیم که در قیام آبان ماه بر اساس گزارشات منتشر شده بیش از ۱۵۰۰ نفر صرفاً به ضرب گلوله نیرو های سرکوب جمهوری اسلامی در کف خیابان ها جان باختند. البته، با توجه به شدت وحشی گری رژیم در مقابله با تظاهرکنندگان گرسنه، آمار واقعی بسیار بیشتر از رقم ارائه شده است. به خصوص اگر توجه کنیم که جمهوری اسلامی در جریان سرکوب های ددمنشانه آبان ماه، بی شرمی را به آن جا رساند که ده ها کودک و نوجوان را نیز به خاک و خون نشانند. برای نمونه می توان از محسن محمدپور، کارگر ۱۷ ساله خرمنشهری نام برد که روز ۲۵

آبان ۱۳۹۸ در اعتراضات مردم در فلکه دروازه خرمشهر در خیابان حافظ، به دلیل ضرب و شتم نیروهای امنیتی و ضربات شوکر و باتوم به **ن** و **جمجمه‌اش** به **کما** رفت. این کارگر ساختمانی نوجوان پس از ۴ روز در بیمارستان ولیعصر خرمشهر جان باخت.

جدا از صدها نفری که در جریان قیام های دیماه ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ به دست نیرو های سرکوبگر جمهوری اسلامی کشته شدند، دیکتاتوری حاکم هزاران نفر را نیز بازداشت کرده است و حال پس از اعمال شکنجه های بسیار، با پرونده سازی های رسوا شروع به اعدام آنها می نماید.

همین سه هفته پیش بود که این رژیم وابسته به امپریالیسم، نوید افکاری کارگر رنجدیده گچکار را پس از مدت ها اذیت و آزار و شکنجه، به دار آویخت. این کارگر آگاه را به جرم شرکت در اعتراضات مرداد ماه سال ۹۷ در شیراز دستگیر و به اتهام های ساختگی تحت عنوان "محاربه" در ۲۲ شهریور ۹۹ اعدام کردند. قبل از این جنایت، مصطفی صالحی کارگر ساختمان را در تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۹۹ در "کهریزسنگ نجف آباد" اعدام کرده بودند. ارتکاب به چنین جنایاتی در حالی است که به طور مستمر خبر از تیراندازی پاسداران جمهوری اسلامی در کردستان به کولبران -این ستمدیده ترین بخش طبقه کارگر- و به قتل رساندن آنها منتشر می شود. تنها در یک رویدار، روز چهارشنبه ۱۲ شهریور ماه دست کم "چهار کولبر" در مرزهای سردشت و پیرانشهر با "شلیک مستقیم" نیرو های مرزبانی و سپاه پاسداران به قتل رسیدند.

نمونه های فوق از شکنجه و اعدام و کشتار کارگران به اشکال مختلف، به روشنی نشان می دهند که مبارزات کارگران چه جایگاه بزرگی در مبارزه علیه بورژوازی حاکم و رژیم جنایتکار حامی اش پیدا نموده و دیکتاتوری حاکم نیز با آماج قرار دادن کارگران نشان می دهد که دشمن اصلی خود را شناخته و لبه اصلی حملات خود را متوجه این طبقه ساخته است.

با نگاهی به مبارزات رو به گسترش طبقه کارگر در ایران، پراکندگی صفوف کارگران به عنوان یکی از ویژگی مبارزات آنها خود را به روشنی آشکار ساخته و نشان می دهد که این مبارزات از فقدان سازمانیابی در رنج است. اذعان به این واقعیت که مسبب اصلی در این رابطه، دیکتاتوری حاکم می باشد که با توسل به وحشیانه ترین سرکوب ها حتی شکل گیری تشکل های مستقل کارگری را از کارگران سلب نموده است، برای هر انسان آزاده و مدافع طبقه کارگر ایران می آموزد که بدون مبارزه با رژیم دیکتاتور حاکم حتی نمی توان به خواست های صنفی کارگران دست یافت.

واقعیت این است که امر سازمانیابی کارگران عملا در بستر مبارزه برای نابودی این دیکتاتوری امکان پذیر می باشد. بر این مبنا رهنمود چریکهای فدائی خلق ایران به کارگران آگاه و مبارز این است که باید دست در دست روشنفکران طبقه کارگر خود را در هسته های سیاسی-نظامی متشکل کنند تا با پیشبرد مبارزه مسلحانه علیه این دیکتاتوری بتوانند در سد این دیکتاتوری لجام گسیخته شکاف انداخته، آن را تضعیف نموده و از این طریق امکان شکل گیری تشکل های مستقل کارگری و مهم تر از آن ایجاد سازمان سیاسی طبقه کارگر را مهیا نمایند.

واقعیت نشان داده است برای نجات از شرایط دهشتناک موجود، راهی جز مبارزه مسلحانه علیه رژیم حاکم وجود ندارد. این آغاز راهی است که می تواند به نابودی سیستم سرمایه داری وابسته حاکم بر جامعه ایران با همه مصیبت ها و وحشت هایش برای اکثریت آحاد جامعه در ایران منجر شده و امکان رسیدن به نان، کار، آزادی و استقلال از سلطه امپریالست ها را برای کارگران و دیگر توده های ستمدیده ایران به ارمغان آورد.

به نقل از: ماهنامه کارگری، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران- شماره ۸۱، پانزدهم مهر ماه ۱۳۹۹